

بررسی راهکارهای عملی و اجرایی آموزش پیشگیری از خشونت

نرجس محمدپور، زهرا صباغی

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

کارشناسی ارشد مبانی فقه و حقوق اسلامی



MDOL02-2026.0296
MNR-310-2-DE844E

خشونت رفتاری است که منجر به صدمه زدن به طرف مقابل می شود. خشونت ریشه در تاریخ و فرهنگ غلط ما دارد. خشونت جسمی و فیزیکی نسبت به گذشته کاهش یافته، اما حالت روانی و تحقیر کننده آن در حال گسترش است. مهم ترین زمینه های گرایش به خشونت در جامعه ما زمینه های اجتماعی و زمینه های فرهنگی می باشند. در بعد اجتماعی، محرومیت های ساختاری عمده ترین نقش را در گرایش افراد به خشونت های فردی و به ویژه خشونت های گروهی و شورش های اجتماعی دارد. در بعد فرهنگی، تحقیقات فراوانی بر روی تاثیر رسانه های جمعی بر گسترش خشونت در سرتاسر جهان انجام شده است. نتایج این تحقیقات نشان از وجود همبستگی مثبت میان میزان استفاده از رسانه های جمعی و گسترش خشونت دارد. زمینه های روانی در میان زمینه های گرایش به خشونت به طور عمده یا نقش واسطه ای بوده و یا در مواقع بسیاری معلول زمینه های اجتماعی می باشد. مهم ترین کارهای مقابله ای با زمینه های گرایش به خشونت در جامعه در بعد اجتماعی، راهکارهایی هستند که هدف آنها کاهش سطح محرومیت های ساختاری است. این راهکارها به طور عمده در دو شاخه ی سیاسی و اقتصادی جای می گیرند. روش تحقیق به صورت کتابخانه ای و فرا تحلیل نظری می باشد که از نتایج آخرین تحقیقات درباره موضوع مذکور استفاده شده است. هدف این پژوهش بررسی عوامل (فردی، تعادل بین فردی و اجتماعی، اقتصادی)، ابعاد و میزان خشونت، پیامدهای خشونت (روانی، ذهنی، جسمی و روابط اجتماعی) و شیوع این پدیده است.

کلمات کلیدی: پیشگیری¹، رفتار²، اجتماعی، خشونت³، جامعه

مقدمه:

خشونت را باید موضوعی مبهم تلقی کرد که برخلاف اجماع نظری در رد و انکار آن، در حیات اجتماعی انسان، گستره ای بس وسیع دارد. انسان ها طی سالیان طولانی از خشونت، آسیب دیده و متضرر شده اند، با این وجود بشر همواره

¹ prevention

² Behavior

³ aggression



خشونت را تحمل یا اعمال کرده است. لحظاتی ممتاز در تاریخ به چشم می خورد که آدمی به خشونت خود نسبت به همنوعش اطلاع یافته و در صدد پیدا کردن راهی برای غلبه بر آن برآمده است. آنچه امروزه نگرانی جوامع مختلف را باعث شده است، همانا وسعت و گسترش روز افزون خشونت است، کمتر روزی پیش می آید که رسانه ها ستون های چندی از صفحات خود و یا بخش هایی از اخبار خود را به شرح اعمال خشونت آمیز اختصاص ندهند. همه روزه شاهد ارتکاب رفتارهای خشونت آمیز در سطح فردی و اجتماعی هستیم. افزایش نرخ قتل، ضرب و جرح و تجاوز، نزاع، گسترش جنگ ها و نزاع های داخلی، درگیری های قومی و مذهبی، و شورش های اجتماعی⁴ همگی نشان دهنده این واقعیت است که سطح گرایش به خشونت همه روزه در حال افزایش و تغییر الگو است. تا یک دهه پیش، زمانی که درباره خشونت صحبت می شد، ذهن افراد عمدتاً معطوف به برخی گونه های خاصی از خشونت، نظیر خشونت علیه زنان⁵ و یا خشونت علیه کودکان می گشت، اما امروزه دیگر صحبت از یک یا چند گونه ی خاص از خشونت معنادار نیست. آنچه امروز توجه همگان را به خود معطوف نموده گسترش خشونت در تمامی اشکال و مظاهر آن است. حال این سوالات به ذهن خطور می کند که اصولاً خشونت چیست؟ چه عواملی در شکل گیری خشونت دخیل اند؟ راهکارهای مقابله با خشونت کدامند؟ این پرسش ها تنها بخشی از سوالاتی است که در نگاه نخست ممکن است در ذهن ما پیرامون مسئله خشونت شکل بگیرد؛ پاسخ به این سوالات می تواند مسیری را ترسیم نماید که حرکت در آن مسیر، در نهایت ما را به جایگاهی می رساند که با شناخت صحیح عوامل موثر در گرایش به خشونت، قادریم راهکارهایی را برای مقابله با آن ارائه کنیم.

روش تحقیق:

شیوه تحقیق در این پژوهش توصیفی و تحلیلی می باشد. جهت گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده است، منابع اصلی شامل: پایان نامه ها، کتب و مقالات می باشد و منابع فرعی شامل: روزنامه ها، مجلات موجود در کتابخانه ها و اینترنت بوده که مورد بررسی و استفاده قرار گرفته اند.

خشونت:

در واقع رفتاری است که در همه ی کشورها مشاهده می شود و بر قربانیان فراوان آن همه روزه افزوده و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آنها و به ویژه گروه های ضعیف تر و آسیب پذیرتری می شود. (سروستانی، 1386: 114). در کل به رفتاری اطلاق می شود که هدفش اعمال آسیب و رنج می باشد. به عبارت دیگر رفتاری است که به قصد صدمه رساندن جسمانی یا روانی به فرد دیگر است. (آزاد ارمکی، 1377: 76-77). مگزواشتروس: از دید این دو محقق خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار یا رفتاری با قصد و نیت پنهان اما قابل درک برای وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر می باشد. محقق دیگر بلو در سال 1983 خشونت را چنین تعریف کرده است: خشونت رفتاری آگاهانه در نظر گرفته می شود که نتایج احتمالی آن، ایجاد آسیب فیزیکی یا درد در فرد دیگر است. همچنین خشونت را

⁴ Social unrest

⁵ violence against women

می توان از نظر مفهومی کنشی در نظر گرفت که از جانب فرد یا افرادی و از روی اراده و آگاهی به منظور آسیب رساندن فیزیکی یا روحی - روانی به دیگری انجام می پذیرد.

خشونت بیانی چیست؟ چه انواعی دارد؟ علل و راه های پیشگیری و کاهش آن کدام است؟

ما مکنونات ذهنی و قلبی خود را به دیگران از طریق رفتار ایجابی و یا سلبی انتقال می دهیم که به آن بیان می گویند. بیان انواع مختلفی دارد که عبارتند از:

- گفتاری
- نوشتاری
- هیجانی
- علامتی
- بی توجهی

نحوه بیان ما نشانگر کیفیت رعایت اخلاق بیانی از سوی ماست. منظور از اخلاق بیانی رعایت حداکثر حرمت و کرامت انسانی در برخورد با دیگران در هنگام انتقال موضوع است.

نقطه مقابل اخلاق بیانی پرخاشگری یا خشونت بیانی است. پرخاشگری رفتاری است که به قصد صدمه رساندن (جسمی یا زبانی) به فردی دیگر یا نابود کردن دارایی دیگران انجام می شود. بسیاری از رفتارها با این که منجر به آسیب جسمی نمی شوند، پرخاشگرانه محسوب می شوند از جمله پرخاشگری کلامی، اعمال زور، مچ گیری، ارعاب و سبکهای مدیریتی که منجر به پیامدهای روان شناختی زیانباری برای دیگران می شود و نیز طرد اجتماعی عمدی دیگران، از مصادیق بارز پرخاشگری هستند و نباید تاثیر این رفتارها را در عزت نفس، وضعیت اجتماعی و شادی عوامل دریافت کننده، دست کم گرفت. پرخاشگری عمل کور و بی هدفی نیست. بسیاری اوقات پرخاشگری کلامی، محرک و مقدمه پرخاشگری فیزیکی خطرناک است. سرآغاز هر نوع خشونت فیزیکی حتی خشونت های بین المللی که منجر به جنگ جهانی شده است خشونت کلامی یا پرخاشگری کلامی بوده است.

خشونت بیانی ابعاد مختلفی دارد:

فضای مجازی در بسیاری از اوقات مملو از انواع خشونت های بیانی است. یکی از آفت های مهم فرهنگی کشور ما خشونت کلامی است. ما هنوز یاد نگرفته ایم که چگونه با هم ارتباط برقرار کنیم و چگونه گفتگو و درخواست داشته باشیم. حال آن که در آموزه های دینی ما موارد بسیاری از توصیه به اخلاق خوش و کلام نرم و مدارا با دیگران وجود دارد. خشونت بیانی وجه ناشناخته، مغفول و پنهان جامعه ماست. تحقیقات نشان می دهد که در هر دو شکل خشونت چه در

داخل منزل و چه خشونت در خارج از منزل وجه غالب خشونت فیزیکی یا پرخاشگری کلامی است. ما متأسفانه در بیان کلامان مشکل داریم و حتی برای امر به معروف و نهی از منکر هم با زبان خشن صحبت می‌کنیم.

زیان‌های پرخاشگری:

-در قرن بیستم 80-100 میلیون نفر در دنیا بر اثر خشونت کشته شدند.

-در آمریکا سالانه 20000 مورد قتل، 700000 مورد آزار و اذیت، 200000 مورد تجاوز و 1/5 میلیون مورد جرم خشونت بار رخ می‌دهد.

علل پرخاشگری:

الف) عوامل روان شناختی: نظریه های مختلف روانشناختی پرخاشگری را نوعی رفتار فردی با منشا غریزی یا انگیزشی یا نوعی رفتار اجتماعی یادگرفته شده می دانند.

ب) عوامل اجتماعی:

- ناکامی: ناکامی همواره به نوعی به پرخاشگری می‌انجامد و پرخاشگری همیشه از ناکامی ریشه می گیرد.
- تحریک مستقیم: اگر فرد مورد بدرفتاری جسمی و تمسخر کلامی قرار گیرد اغلب اعمال پرخاشگرانه در وی برانگیخته میشود و اگر پرخاشگری آغاز شود اغلب از الگوی تشدید بی امان پیروی می کند.
- تقویت و یادگیری مشاهده ای (خشونت تصویری: سینما، تلویزیون، کامپیوتر...): اثرات تجمیعی مشاهده خشونت منجر به بروز خشونت در کودکان می شود.

ج) عوامل محیطی: از جمله آلودگی هوا، آلودگی صوتی، ازدحام (شلوغی، ترافیک)....

د) عوامل موقعیتی: افزایش برانگیختگی فیزیولوژیک، برانگیختگی جنسی، درد

ه) عوامل شناختی:

- انتظارات (انتظار نداشتن)
- انصاف (بی عدالتی)
- نیت (تعمدی)
- مسئولیت پذیری (آمر، عامل)

و) عوامل زیستی:

- تأثیر هورمون‌ها
- مصرف برخی داروها و مواد: الکل، باربیتورات، ضد اضطراب‌ها، افشانه ها

- وابستگی به مواد مخدر و شبه افیونی: محرک ها، کوکائین، توهم زاها
- آسیب های سیستم عصبی
- وراثت

خشونت کلامی چگونه اعمال می شود؟

شیوه ادای پرخاشگری کلامی ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد:

1- گاه مخاطب مستقیم مورد خشونت بیانی قرار می گیرد. از جمله در موارد ذیل :

الف: دو نفری (با یا بدون حضور جمع)

ب: تریبونی (تحریک از طریق جمع)

ج: گروهی (تبعیت از جمع)

2- اما گاهی مخاطب غیرمستقیم مورد حمله واقع می شود:

الف: عمومی

ب: مماسی

انواع خشونت کلامی به لحاظ محتوایی:

از نظر محتوایی نیز خشونت کلامی انواع مختلف دارد:

الف- جاهلانیه: شامل فحاشی و بی نزاکتی

ب- معمولی: مانند توهین، تحقیر و تمسخر، اتهام، افترا..

ج- علمایی (استدلالی): که یا ناشی از تحجر و تعصب است، (مثلا گفته شود این ایده که شما می گوید قدیمی است) و یا ناشی از انحراف از اصول و استحاله است (مثل این که گفته شود این ایده غیر مبنایی است).

نتیجه پرخاشگری کلامی:

در هر صورت خشونت بیانی آثار و نتایج زیانباری بر فرد و جامعه دارد. از جمله:

1. موجد آسیب روانی می شود: تحقیر شخصیتی و ایجاد عامل زمینه ای برای اختلالات روانپزشکی
2. محرک آسیب جسمی (جراحت و قتل) از طریق تحریک پرخاشگری فیزیکی است.

3. عامل انتقام گیری (بروز خشونت و انواع پرخاشگری و ایجاد دور تسلسل) است.

خسارت های ناشی از کم توجهی به بعد اخلاق بیانی در ایران :

کم توجهی و یا به فراموشی سپردن بعد اخلاق بیانی در کشور ما نیز دستاوردهای غیر اخلاقی را به ارمغان آورده است از جمله:

1. رواج پرخاشگری کلامی و حرمت شکنی به انسان ها (همو که جانشین خداست و حرمتش چون کعبه واجب است) در رسانه ها و سایت ها، مجالس، محافل، منابر، تریبون ها، میتینگ ها پوسترها و بنرها، شعارها و.....
2. فرو ریختن قبح دروغ گوئی، ریاکاری و زشت گوئی، که قبیح ترین صفات اخلاقی هستند.
3. رایج شدن قدر ناشناسی و ناسپاسی به خدمات پیشینیان، که عذاب شدید الهی را در پی دارد.
4. مشاهده مصاحبه ها و مناظره های غیر اخلاقی (از سوی بزرگان و نامورانی که با آبروی کشور در سطح جهانی بازی می کنند)
5. سیر بالا رونده آسیب های اخلاقی و اجتماعی که زنگ خطر سلامت کامل جامعه را به صدا در می آورند.
6. به کار گیری لحن پرخاشگرانه (کلامی، نوشتاری، تصویری، علامتی) در ادبیات فرهنگی و سیاسی، حتی محافل مذهبی و اخلاقی
7. دهشتناک تر از همه که این آفت بی اخلاقی بیانی، گاهی به عنوان ارزشی و انقلابی تعبیر شود.

راه های کاهش پرخاشگری کلامی و ارتقای اخلاق بیانی از منظر سازمان های جهانی:

1. اجتناب از برقراری ارتباط با افرادی که پرخاشگری کلامی دارند.
2. رعایت ادب و نزاکت در برخوردها.
3. تعریف مشکل مورد بحث و تنازع.
4. شناخت مواردی که یک بحث سازنده را به بحث مخرب تبدیل می کند.
5. بحث و گفتن بدون عصبانی شدن و پرخاشگری.
6. آگاهی از موقعیت ها و رفتارهایی که پرخاشگری کلامی را تحریک می -کند.
7. توقف بحث و جدل و ترک موقعیت.

در آموزه های دینی، تاکید فراوان بر گفتار نرم، خوش، ملایم، نیکو، زیبا، رسا، استوار، پسندیده، کریمانه، مجادله احسن و پرهیز از بیهوده گوئی، زشتی کلام، دروغ گوئی، عیب جوئی، تمسخر و مجادله بدون علم شده است. همچنین گفتار و امر خداوندی و سفارش او به پیامبران گفتاری با سلام و پاداش او در بهشت نیز سلام است. رویه عملی پیامبر اسلام (ص)



و ائمه و اولیای دیگر در مواجهه با شرایط زمانی و مکانی نیز سلام و سلم است. فضای فرهنگی و ادبی ایران باستان و شعرای فرهیخته ایرانی نیز همگی، مشحون از توصیه به نرمخویی و نرم گفتاری است. جهان امروزی نیز راهکارهای ارتباط بدون خشونت را برای زندگی سالم توصیه می کند اما با همه اینها، محیط پیرامونی ما در جهان و ایران و به ویژه در کشورهای اسلامی، در اخلاق بیانی کمبود های فراوان دارد و گاه برداشت های انحرافی از آموزه های دینی وسیله ای برای توجیه پرخاشگری می شود. بنابر این راهکارای کاهش پرخاشگری و ارتقای اخلاق بیانی از ضروریات فرهنگی جامعه ما و سایر جوامع اسلامی است. لازم است تا تمامی صاحبان تأثیر و نفوذ کلام از قبیل رهبران اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی، روحانیان، اساتید و معلمان، پزشکان و روانپزشکان، روان شناسان و جامعه شناسان، اصحاب رسانه تصویری، گفتاری و نوشتاری، والدین و همه دست اندرکاران و آحاد تأثیرگذار کشور برای پالایش پرخاشگری بیانی از فرهنگ عمومی و آرایش آن به گفتار نرم، نیکو، سالم و شایسته اقدام کارشناسی و برنامه ریزی شده مستمری را به منصفه ظهور برسانند تا جامعه ای مزین به لباس اخلاق بیانی را برای جهانیان و آیندگان ترسیم نماییم.

عوامل گرایش به خشونت:

علل و عوامل فراوانی سبب گرایش افراد جامعه به خشونت و راههای اعمال آن می شود که به این عوامل اشاره خواهد شد.

الف: تأثیر عوامل محیطی در برانگیختن خشونت:

از جمله عواملی که می توانند در زمینه های گرایش به خشونت موثر قلمداد شوند، عوامل محیطی هستند. پژوهش های بسیاری ارتباط میان عوامل محیطی مانند سطوح صوتی و ویژگی های آب و هوایی با پرخاشگری انسانی را تایید کرده اند. برخی از این عوامل مانند:

- 1- رابطه میان متغیرهای آب و هوایی و خشونت
- 2- رابطه ی میان محیط خانوادگی و گرایش به خشونت

ب) زمینه های فرهنگی:

رفتارهای جمعی افراد جامعه متأثر از فرهنگ آن جامعه است، یعنی فرهنگ یک جامعه می تواند هنجاری را تقویت و یا تضعیف نماید، و آرامش طلبی نیز در بطن فرهنگ قرار دارد. به هر حال آنچه مستفاد می گردد آن است که ریشه پرخاشگری و خشونت را می توان در میان اجزای فرهنگی یک جامعه جستجو کرد. چندان جای تردید نیست که پیشه ی فرهنگی می تواند تأثیر بسیار مهمی بر رفتار و تفکر افراد داشته باشد. در حقیقت کیفیت زندگی ما تحت تأثیر پیشینه ی فرهنگی ما قرار دارد؛ قطعاً این کیفیت می تواند تحت تأثیر احساس هویت ما و درکی که از وابستگی به گروه هایی که خود را یکی از اعضای آنها می دانیم نیز قرار بگیرد. (سن، 1387: 396)

ج) تاثیر رسانه های جمعی در گرایش به خشونت:

نگرانی ها در رابطه با رسانه های جمعی، تاریخی طولانی دارد. افلاطون پیشنهاد کرده بود که در جامعه ی آرمانی او شعر باید ممنوع باشد، چرا که او می ترسید محتوای غیر اخلاقی اشعار، ذهن جوانان را فاسد سازد. تحقیقات بسیاری در رابطه با تاثیر رسانه های جمعی بر روی خشونت در سطح جهان انجام شده است؛ با نگاهی به کلیت این مطالعات، نکاتی به دست می آید که لازم است در ابتدای این گفتار به آن اشاره شود. نخست آنکه، خیلی دشوار است که خشونت رسانه ای را تعریف و اندازه گیری کنیم، برخی کارشناسان که تاثیر خشونت را در برنامه های تلویزیونی دنبال می کردند، خشونت را به عنوان اقدام به کشتن یا مجروح کردن کسی، مستقل از روش استفاده شده یا شرایط پیرامونی تعریف کرده اند. دوم آنکه، محققان بر سر نوع ارتباطی که داده ها اثبات می کنند، با هم اختلاف نظر دارند، برخی استدلال می کنند که نمایش خشونت در رسانه ها باعث پرخاشگری است. دیگران می گویند، این دو باهم مرتبطند؛ اما ارتباط علی و معلولی بین آنها وجود ندارد، وعده ای نیز می گویند که کلا ارتباطی بین این دو وجود ندارد. سوم آنکه، حتی آن هایی که به ارتباط بین خشونت رسانه ای و بروز رفتارهای پرخاشگرانه نظر دارند، درباره آن که چگونه یکی بر دیگری اثر می گذارد، با هم اختلاف نظر دارند، بعضی اع تقاد دارند که ساز و کار روان شناختی در راه و رسمی که ما یاد می گیریم ریشه وانه است، برخی دیگر از محققان استدلال می کنند که این اثرات فیزیولوژیکی خشونت رسانه ای است که رفتار پرخاشگرانه را ایجاد می کند، نمایش تصاویر خشن با افزایش ضربان قلب، تنفس سریع تر و فشار خون بالا ارتباط دارد، برخی فکر می کنند که این عکس العمل ها، مردم را مستعد می کند تا در دنیای واقعی به طور پرخاشگرانه عمل کنند.

راهکارهای مهمی که می توان از آموزه های قرآنی و روایی در زمینه پیشگیری از خشونت استفاده کرد:

الف- پیشگیری هایی که جنبه فرهنگی دارد:

در دسته اول، اغلب راه های پیشگیری از خشونت به زمینه های ذهنی، تربیتی و تعلیمی افراد مربوط می شود که از آن به جامعه پذیری و فرهنگ پذیری، که از عمق تاثیر بیشتری برخوردار است، تعبیر می کنیم. جامعه پذیری، فراگردی مستمر و دائمی است که الگوها، مفاهیم اجتماعی، ضوابط رفتاری، زبان، ارزش های فرهنگی و هنجارهای گروهی به افراد جامعه انتقال می دهد که در آن نمایندگان گوناگون جامعه اعم از والدین، معلمان و رهبران شیوه های زندگی را آموزش می دهند. جامعه پذیری از مهمترین مسائلی است که فرایند ثبات و بقاء اجتماعی به آن بستگی دارد و به وسیله آن داده ها و اطلاعات نسل امروز - به عنوان فرهنگ و تمدن- به نسل فردا منتقل میشود. به هر مقدار که جامعه پذیری در يك جامعه موفقتر صورت گیرد یگانگی اجتماعی بیشتر و به دنبال آن انسجام اجتماعی مستحکمتری بین مردم ایجاد میشود و در این صورت، نیل به اهداف مشخص شده آسانتر شده که نتیجه آن توسعه پایدار جامعه خواهد بود. در واقع یکی از معیارها و شاخصهای رشد و توسعه يك جامعه، میزان انطباق افراد با هنجارها، ارزش ها و قواعدی است که در يك جامعه وجود دارد. این قواعد هرچه به سوي تعادل جامعه پیش رود به توسعه جامعه كمك خواهد کرد. یقینا پیشگیری از انواع خشونت اگر از کودکی و از نهادهای خانواده و آموزش در افراد نهادینه شود سبب کاهش بسیاری از تنش های دیگر در دوره های سنی بالاتر و در سطوح کلانتر جامعه خواهد شد.



فرد یا افراد جامعه در صورتی که دوران تربیتی خود را در فضای فرهنگی، اعم از خانواده یا آموزش گذرانده باشند که حد و مرزهای انسانی که بر مبنای معنویت و تدین شکل گرفته رعایت شود، مسلماً چون همواره خود را در منظر و مرآی الهی می بیند، به وظایفی که به دوش دارد بدون لزوم نظارت کسی عمل می کند. اعتقاد به جهان اخروی و فرهنگ پذیری دینی، خود مانع بزرگی برای جلوگیری از میل به خشونت و عموماً انحرافات در فرد است. بنابراین چنانچه فرد در درون خود محدودیت و پرهیزی از روی آوردن و میل به خشونت و انحراف نبیند این را باید در عدم جامعه پذیری و فرهنگ پذیری او جستجو کرد که در اینجا از آن به «بحران هویت» یاد می کنیم.

واکنش افراد نسبت به وقایع، بازتابی از جامعه پذیری شان در محیط زندگی آنهاست که در زمینه روی آوردن به خشونت یا عدم خشونت و نیز مصاحبت با افراد یا گروه هایی که با آنان رشد کرده بسیار مهم است. آیات و روایات زیادی وجود دارد که عامل بسیاری از رستگاری ها و یا تیرمختی ها را در همراهی و همنوایی با افراد می بیند. امام سجاد علیه السلام، مجالست و مصاحبت با صالحین را انگیزه های مهم برای رستگاری می داند، همانگونه که همنشینی با بدکاران و اهل دنیا انسان را خوار و ذلیل کرده و به گمراهی ها می کشاند. از امام صادق (ع) نقل شده است: «از مجالست با اهل دنیا بر حذر باش که موجب بر باد رفتن دین شماسست و موجب راه یافتن نفاق و تردید در شماسست و این بیماری خوارکننده ای است که درمان پذیر نیست». قرآن، احوال زیانکاران روز قیامت را چنین توصیف می کند: «روزی است که ستمکار دست های خود را می گزد و می گوید: ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم، ای وای، کاش فلانی را دوست نگرفته بودم».

استحکام نظام خانواده نیز از جمله عواملی است که به خاطر فرآیند اجتماعی کردن صحیح در فرد، در اجتناب از خشونت گرایی مؤثر است؛ به جرأت می توان گفت تزلزل و بحران در نظام خانواده چون نظام فکری و ذهنی فرد را دچار تناقض های زیادی می کند، فرد را در مسلک و مرام خود در روی آوردن به خشونت و عدم رعایت حقوق دیگران پر جرأت تر می سازد. مسلماً تعادل در این نهاد با اهمیت، و ایجاد الگوهای رفتاری و تربیتی مناسب که جانب توازن را مراعات کند، نقش به سزایی در کاستن بسیاری از خشونت ها ایفا می کند.

ب- پیشگیری هایی که جنبه اجتماعی دارد:

در دسته دوم، معمولاً راه های پیشگیری از خشونت جنبه اجتماعی تر و کلان تر دارد. وجود فاصله های طبقاتی و فقر و غنای بیش از حد، از عواملی است که در خشونت گرایی و جرمزایی تأثیر زیادی دارد، زیرا در این صورت سطوح بالایی جامعه که از زر و زور بیشتری برخوردارند برای حفظ موقعیت خویش راه های گوناگون طغیان را در پیش می گیرند و در مقابل، سطوح نازل جامعه نیز به طور انتقام جویانه دست به خشونت هایی می زنند تا موقعیت از دست رفته را به دست آورند یا بهتر سازند.

امام علی (ع) در نامه اش به مالک اشتر می فرماید: «به کارگزارانت روزی فراوان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می کوشند و با بی نیازی دست به اموال بیت المال نمی زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند»



البته در این که فقر یا غنا کدامیک بیشتر جرم‌زاست و موجب خشونت‌های اجتماعی بیشتری است، شاید چندان با قطعیت نتوان قضاوت کرد، اما بالاخره هر یک از این دو موجب برهم خوردن تعادل جامعه‌اند. آن حضرت در توصیف اخلاق رذیله انسانی می‌فرماید: «اگر بی‌نیاز گردد، مست و مغرور شود و اگر تهیدست گردد، مأیوس و سست شود» گرچه شاید بتوان گفت طبقه مرفه‌تر جامعه سهم بیشتری در برهم زدن تعادل دارند، اما به‌خاطر قدرت لاپوشانی جرائم خود، شاید بروز و ظهور آن در جامعه به اندازه جرائم قشر ضعیف نمایان نمی‌شود. قرآن، طغیان ناشی از غنای زیاد را در آیات زیادی خاطر نشان کرده است. در سوره علق می‌فرماید: «انسان زمانی که احساس بی‌نیازی کند طغیان‌گر می‌شود». و در وصف کافران می‌گوید: «و دارایی بسیار به او بخشیدیم... و برایش عیش خوش آماده کردیم، باز هم طمع دارد که بیفزایم، ولی نه، زیرا او دشمن آیات ما بود».

از دیگر عواملی که در دسته دوم، در پیشگیری از خشونت دارای جنبه اجتماعی است و توجه به آن از آسیب‌های ناشی از خشونت خواهد کاست، از میان برداشتن زمینه‌های ارتکاب خشونت است. زمینه‌هایی باید فراهم شود تا آحاد جامعه چشم‌بینای دیگران باشند و عده‌ای برای نظارت و کنترل اوضاع جامعه گمارده شوند تا بسیاری از زمینه‌های وقوع خشونت در جامعه به محاق فراموشی سپرده شود.

پ- پیشگیری‌هایی که جنبه کیفری دارد:

این قسم از پیشگیری‌ها که جنبه کیفری دارد و اسلام بر آن اهتمام زیادی دارد، بخشی از سیاست جزایی اسلام به شمار می‌رود و به منظور جلوگیری از سقوط و انحطاط جامعه و برای درمان آسیب‌ها و مقابله با خشونت‌های داخلی و خارجی تعبیه شده، در احکامی مانند حدود، قصاص، جهاد و... باعث گردیده عده‌ای به خاطر درک ناصحیح از فلسفه وجودی آن، چهره‌ی خشونت‌باری را از اسلام معرفی کنند.

تشریع احکام جزایی و کیفری با هدف جلوگیری از ناهنجاری‌ها و تأمین مصالح جامعه و برقراری امنیت و دفاع از حقوق اکثریت مردم به وجود می‌آید، از این رو در قرآن، اجرای قانون قصاص به عنوان تضمین‌کننده حیات اجتماعی قلمداد شده است: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ». لذا راهکارهای باز دارنده‌ای که قرآن در برابر هرج و مرج‌ها جعل کرده را نباید از مصادیق خشونت‌ورزی دانست، بلکه خود نوعی جلوگیری از خشونت‌هایی است که ممکن است در جامعه رخ دهد. تشریع مجازات‌ها در اسلام با توجه به حقوق از بین رفته افراد و حقوق جامعه و تعالی شخص مجرم در آخرت بوده و هرگز خاستگاه انتقامی و تلافی ندارد. در واقع استیفای حقوق و ایجاد زمینه مساعد تربیتی، امنیت اجتماعی و حقوقی و جلوگیری از جرائم و خشونت‌های آتی است که صلاح جامعه در آن تضمین می‌شود. یادآوری این نکته لازم است که اجرای این قوانین جزایی و کیفری نه اولین راهکار اسلام برای ممانعت از بروز خشونت، که آخرین راهکار است و پیش از آن راه‌های مسالمت آمیز و مهرجویانه‌ای از جمله اتخاذ سیاست‌های منطقی فقرزدایی، جامعه‌پذیر و فرهنگ‌پذیر ساختن افراد جامعه، اشاعه باورهای دینی و اجرای برنامه‌های سازنده برای استحکام نظام و جامعه را پیشنهاد می‌دهد که در دو مورد قبل بدان اشاره شد.

راهبردهای مقابله ای و پیشگیرانه خشونت در خانواده :

همچنین در خانواده ها روشهای زیر می تواند به زوجین کمک نماید تا از بروز خشونت پیشگیری کنند و در خانواده آرامش برقرار نمایند: گسترش مراکز مشاوره دولتی و تشویق افراد برای مراجعه، آموزش مهارت های زندگی به زوجین، تشویق افراد به استفاده از روشهای مؤثر جهت کاهش عصبانیت و کسب آرامش روانی، تدارک برنامه های آموزشی در محل کار یا مراکز بهداشتی-درمانی جهت آشنایی جوانان با الگوی همسرگزینی. با تقسیم نقشها بر اساس تعاون و همکاری بین زن و مرد و حرکت از الگوی مرد سالاری به سمت تعاونگرایی، مشاوره گروهی.

ارتقا و بهبود آگاهی افراد جامعه بخصوص آموزش مهارت های قبل از ازدواج، بالا بردن فرهنگ زناشویی و احترام متقابل به یکدیگر، ایجاد سیستم های پیگیری عوامل ایجاد کننده خشونت و اجرای قوانین حمایت از زنان در معرض خطر و اصلاح ساختارهای ناسالم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می تواند در کاهش این پدیده هولناک و پنهان اجتماعی کمک نماید(معاشری، 1391: 139)

راهکارهای مبارزه با خشونت:

جملات زابیده اندیشه های ما هستند. در هنگام خشم از جملاتی که بار احساسی شدید دارند استفاده نکنید. مثلاً نگوئید از تو متنفرم یا این یک فاجعه بود. بلکه بگوئید ناراحت می کنی. میزان خشم تان را ارزیابی کنید. دانستن اینکه آیا دیوانه وار خشمگین هستید یا تنها ناراحتید می تواند در نوع واکنش تان مؤثر باشد. هر گاه به حد انفجار خشمگین شدید، پیش از هر عملی ده نفس عمیق بکشید. این زمان چند ثانیه ای، نه تنها فرصت تفکر منطقی را به شما می دهد بلکه موجب تخلیه هیجانی و حواس پرتی تان از موضوع نیز می شود. به خود بگوئید چرا مردم نباید بد رانندگی کرده یا حتی به من خیانت کنند؟ دیگران در طرز رفتارشان آزادند. این ما هستیم که باید رفتارمان را برحسب شرایط تغییر دهیم. کمی فکر کنید. آیا این موضوع ارزش این همه ناراحتی را دارد یا دارید مسأله را بزرگ می کنید. به جای شعله ور ساختن آتش ماجرا، به دنبال راهی جهت خاموش کردن آن باشید و در این میان هر کاری که از دستتان برمی آید انجام دهید. بدترین کار این است که همه چیز را در خودتان بریزید این کار می تواند موجب طغیان احساسی و خرابکاری شود. با صراحت به او بگوئید که ناراحتان کرده است. اما متهمش نکنید. به او هم فرصت صحبت کردن بدهید. با انجام فعالیت های بدنی مانند ورزش، تمرین های ذهنی مانند یوگا یا ریلکسیشن انرژی حاصل از خشم را تخلیه نمائید. منطقی باشید. قسمت بزرگی از خشم و ناراحتی به این خاطر است که ما نمی خواهیم کوتاه بیاییم. این باید ها و نبایدها هستند که ما را دچار خشم می کنند. اگر نمی توانید جلوی خشم تان را بگیرید، لااقل میزان آن را برآورد کرده و براساس آن به دیگران هشدار دهید یا محیط را ترک کنید. از دید دیگران هم به موضوع نگاه کنید. شاید طرف مقابل کار دیگری از دستش برنمی آمده تا شما خشمگین نشوید. بخشنده باشید. این کار به معنای فراموش کردن ماجرا نیست بلکه بزرگ منشی شما را می رساند. فراموش نکنید که شهامت کسی که می بخشد از کسی که انتقام می گیرد بیشتر است. در هنگام خشم همیشه سعی کنید که آهسته تصمیم گیری کنید. چرا که هر تصمیم احیاناً احساسی می تواند اوضاع را خراب تر نمائید. مواظب رفتار تان باشید. هتک حرمت، فحاشی، کتک کاری دور از شأن شماست و از سوی دیگر پل های پشت سر شما را هم خراب می کند و جای بازگشتی

باقی نمی گذارد. اعتماد به نفس داشته باشید چرا که کمبود احساس اعتماد به نفس اغلب ما را به سوی رفتارهای غیرمنطقی مانند پرخاشگری های شدید سوق می دهد. یادداشت بردارید. وجدان شما بهترین مرجع جهت بررسی رفتارتان است. این کار رفتارهای نامعقول و معقول را به شما نشان می دهد. برای رفتارهای معقول به خود پاداش داده و جلوی رفتارهای نامعقول را بگیرید. بچه بازی در آورید. اگر نتوانستید جلوی خشم تان را بگیرید، بین بد و بدتر، بد را انتخاب کنید یعنی به جای آسیب رساندن به دیگران یا به خطر انداختن موقعیتتان به چیزی لگد بزنید یا در خلوت فریاد بکشید تا آرام شوید. فراموش کنید. چه بخواهید و چه نخواهید این اتفاق رخ داده و پس این قیافه را به خود نگیرید. ایده آل گرا نباشید. هیچ کس بهترین نیست. اگر بخواهید نقش بهترین را بازی کنید، چون نیستید عصبانی می شوید. نسبت به خشم و رفتارهای پرخاشگرانه تان هوشیار باشید. این شما هستید که باید رفتارتان را تحت کنترل در آورید در غیر این صورت رفتارهایی از شما سر خواهد زد که پشیمان کننده هستند.

به منظور مقابله با اثرات منفی رسانه های جمعی به ویژه تلویزیون در گرایش به خشونت راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

الف- گسترش نظارت بر تولید و ساخت برنامه ها

ب- گسترش نظارت خانواده ها بر دسترسی فرزندان به رسانه های جمعی

نتیجه گیری:

در این مقاله با بیان عوامل گوناگون موثر در گرایش افراد به خشونت، آشکار شد که خشونت موضوعی پیچیده است که با وجود اجماع نظری در رد و انکار آن، در حیات اجتماعی انسان گستره ای بس وسیع را در بر می گیرد. افراد به دنبال آن هستند که از طریق وسایل و امکانات مشروع به اهداف مشروع خویش دست یابند و زمانی که نتوانند میان این دور ارتباطی منطقی برقرار سازند، به دنبال منبع بی تعادلی می گردند. اگر میزان نارضایتی افراد بالا رود و افراد نتوانند منبع مسئول وضع حاضر را در محیط اجتماع بیابند، به شدت مستعد رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت آمیز خواهند شد، این امر در رابطه با خشونت های فردی و به خصوص در ارتباط با خشونت های اجتماعی صادق است. در حقیقت در سطح جامعه میان اهداف و وسایل دست یابی به آنها تناسبی وجود ندارد. از سویی دائما تلاش می شود سطح انتظارات ارزشی افراد بالا نگه داشته شود. این اقدامات به تدریج باعث بالا رفتن سطح انتظارات ارزشی افراد می شود؛ اما افراد در عمل ملاحظه می کنند که اقدامات موثری در راستای پاسخگویی به این انتظارات صورت نمی گیرد، به تدریج افراد به دنبال منبع وضع موجود می گردند و تمام تلاش خود را می نمایند تا به هر طریق ممکن با آن مقابله کنند، خشونت محصول این تقابل است. مسئله دیگری که در رابطه با پیشگیری از خشونت دارای اهمیت فراوانی است و متأسفانه کمتر مورد توجه واقع شده، بحث آموزش است. یکی از معروف ترین جملاتی که در زمینه پیشگیری وجود دارد، آن است که «همواره پیشگیری بهتر از درمان است». آموزش مهارت های زندگی به ویژه مهارت های مرتبط با کنترل و مهار خشم می تواند گامی اساسی در راستای مقابله و کنترل خشونت باشد. واقعیت مسلم آن است که کودکان و نوجوانان ما از مهارت های لازم



جهت کنترل و مقابله با فشارهای روانی و موقعیت های تنش زا برخورداری نیستند. تقریباً در هیچ یک از مراحل آموزشی، از دبستان تا دانشگاه، مهارت های زندگی آموخته نمی شود، کودکان و نوجوانان آموزش های لازم را در این باره دریافت نمی کنند؛ حتی در زمینه مدرس و کارشناسان آموزشی در این زمینه کمبودهای اساسی وجود دارد، به همین دلیل کودکان و نوجوانان ما از توانایی تحلیلی مناسب برای درک شرایط و اوضاع تنش زا و نیز تصمیم گیری مناسب در موقعیت های حساس برخوردار نبوده و به علت این ناتوانی ها دست به ارتکاب خشونت می زنند، بنابراین توجه به مباحث آموزشی در این باره، گامی اساسی در جهت مقابله با خشونت است.

منابع:

1. ارمکی. آزاد و بهار. مهری (1377)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، موسسه نشر جهاد، چاپ اول.
2. بحار الانوار، ج 75، ص 141، روایت 35.
3. بگرضایی. پرویز، (1382)، « بررسی عوامل موثر بر خشونت مردان نسبت به زنان در خانواده (موردی شهر ایلام) »، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، گروه مطالعات زنان.
4. کار. مهرانگیز، پژوهش درباره ی خشونت علیه زنان در ایران، تهران، چاپ سوم، نشر: روشنگران و مطالعات زنان
5. پورافکاری، نصرالله (1378)، پرخاشگری و فرهنگ، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره 10
6. گلابی، سیاوش، اصول و مبانی جامعه شناسی، چاپ نهم، تهران، نشر میترا، 1378، ص 143.
7. همان، ص 144.
8. شارون، جونل، ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ ششم، نشر نی، تهران 1386، ص 53